

بسمه تعالی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

زبان شناسی همگانی

موضوع:

بررسی گویش سوادکوهی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر مصطفی عاصی

استاد مشاور:

سرکار خانم دکتر ایران کلباسی

نگارش:

محمد جواد حبیبی

۱۳۷۳-۷۴

نیم سال دوم

فهرست مطالب

نشانه‌های آوانویسی ۸

فصل اول - مقدمه

- ۱-۱ - پیشگفتار ۱۱
- ۲-۱ - موقعیت زبانی ۱۲
- ۳-۱ - جستاری در موقعیت جغرافیایی و تاریخی سوادکوه ۱۵
- ۱-۳-۱ - اوضاع طبیعی شهرستان سوادکوه ۱۵
- ۱-۱-۳-۱ - موقعیت و وسعت ۱۵
- ۲-۱-۳-۱ - وضعیت جغرافیایی ۱۶
- ۲-۳-۱ - جغرافیای تاریخی شهرستان سوادکوه ۱۶
- ۳-۳-۱ - مشخصات انسانی سیاسی شهرستان سوادکوه ۲۰
- ۱-۳-۳-۱ - جمعیت و مسائل جمعیتی ۲۰
- ۲-۳-۳-۱ - تقسیمات کشوری ۲۱
- ۴-۳-۱ - ویژگیهای اقتصادی شهرستان سوادکوه ۲۲
- ۱-۴-۳-۱ - کشاورزی ۲۲
- ۲-۴-۳-۱ - صنعت ۲۳
- ۵-۳-۱ - اماکن مذهبی، آثار باستانی و جاذبه‌های جهانگردی ۲۳
- ۶-۳-۱ - نقشه‌هایی از موقعیت جغرافیایی شهرستان سوادکوه ۲۵

فصل دهم - نظام آوایی

۳۰ ۱-۲ - ساختگرایی
۳۷ ۲-۲ - توصیف و استخراج واجها
۳۷ ۱-۲-۲ - جدول واکه‌ها
۳۷ ۲-۲-۲ - جدول همخوانها
۳۸ ۳-۲-۲ - مشخصات آوایی واکه‌ها
۳۹ ۴-۲-۲ - مشخصات آوایی همخوانها
۴۰ ۳-۲ - توزیع واجها در گویش سوادکوه
۴۱ ۴-۲ - ساخت هجا
۴۲ ۵-۲ - بعضی از فرایندهای آوایی
۴۲ ۱-۵-۲ - ابدال یا همگونی
۴۲ ۱-۱-۵-۲ - ابدال همخوان
۴۴ ۲-۱-۵-۲ - ابدال واکه
۴۷ ۲-۵-۲ - اضافه
۴۷ ۱-۲-۵-۲ - اضافه همخوان
۴۸ ۲-۲-۵-۲ - همخوان میانجی
۴۸ ۳-۲-۵-۲ - اضافه واکه
۴۹ ۳-۵-۲ - حذف
۴۹ ۱-۳-۵-۲ - حذف همخوان
۵۰ ۲-۳-۵-۲ - حذف واکه

- ۵۰ ۲-۶- واحدهای زبرزنجیری
- ۵۰ ۲-۶-۱- آهنگ
- ۵۰ ۲-۶-۱-۱- جمله با آهنگ افتاده
- ۵۱ ۲-۶-۱-۲- جمله با آهنگ برخاسته
- ۵۱ ۲-۶-۲- تکیه
- ۵۱ ۲-۶-۱-۲- تکیه تاکیدی
- ۵۲ ۲-۶-۲-۲- تکیه اسمی
- ۵۲ ۲-۶-۳-۲- تکیه فعلی

فصل سوم - توصیف سافتمان واژه

- ۵۶ ۳-۱- ساخت درونی واژه
- ۵۶ ۳-۱-۱- واژه ساده
- ۵۶ ۳-۱-۲- واژه مرکب
- ۵۷ ۳-۲- اسم
- ۵۷ ۳-۲-۱- عناصر ساختمانی اسم
- ۵۸ ۳-۲-۱-۱- شمار
- ۵۹ ۳-۲-۱-۲- نکره و معرفه
- ۶۰ ۳-۲-۱-۳- نشانه اضافه
- ۶۱ ۳-۳- ضمیر
- ۶۱ ۳-۳-۱- ضمایر شخصی

۶۲	۳-۳-۲ - ضمائر مشترک
۶۲	۳-۳-۳ - ضمائر اشاره
۶۲	۳-۳-۴ - ضمائر پرسشی
۶۳	۳-۳-۵ - ضمائر مبهم
۶۳	۳-۴ - صفت
۶۳	۳-۴-۱ - صفت ساده
۶۴	۳-۴-۲ - صفت تفضیلی (برتر)
۶۴	۳-۴-۳ - صفت عالی (برترین)
۶۴	۳-۵ - قید
۶۵	۳-۶ - عدد
۶۶	۳-۶-۱ - اعداد اصلی
۶۷	۳-۶-۲ - اعداد ترتیبی
۶۸	۳-۶-۳ - اعداد کسری

فصل چهارم - توصیف سافتمان فعل

۷۰	۴-۱ - نشانه مصدر
۷۰	۴-۲ - ستاک
۷۱	۴-۲-۱ - ستاک گذشته
۷۱	۴-۲-۲ - ستاک حال
۷۵	۴-۳ - شناسه های فعلی

- ۷۵ ۱-۳-۴ - شناسه‌های فعلی در زمان حال ساده
- ۷۷ ۲-۳-۴ - شناسه‌های فعلی در زمان حال التزامی
- ۷۸ ۳-۳-۴ - شناسه‌های فعلی در زمان گذشته
- ۸۰ ۴-۳-۴ - شناسه‌های فعلی در زمان گذشته بعید
- ۸۰ ۵-۳-۴ - شناسه‌های فعلی در زمان گذشته التزامی
- ۸۱ ۴-۴ - پیشوندهای فعلی
- ۸۱ ۱-۴-۴ - وندهای وجه
- ۸۲ ۲-۴-۴ - وندهای نفی
- ۸۳ ۵-۴ - افعال کمکی
- ۸۳ ۱-۵-۴ - فعل کمکی بودن
- ۸۵ ۲-۵-۴ - فعل کمکی شدن
- ۸۶ ۳-۵-۴ - فعل کمکی خواستن
- ۸۶ ۶-۴ - افعال مجهول
- ۸۷ ۷-۴ - ساختمان گروه‌های فعلی
- ۸۷ ۱-۷-۴ - زمان حال ساده
- ۸۸ ۲-۷-۴ - زمان حال استمراری
- ۹۰ ۳-۷-۴ - زمان حال التزامی
- ۹۱ ۴-۷-۴ - زمان گذشته ساده
- ۹۲ ۵-۷-۴ - زمان گذشته استمراری
- ۹۳ ۶-۷-۴ - زمان گذشته نقلی

- ۹۵ ۷-۷-۴ - زمان گذشته بعید
- ۹۶ ۸-۷-۴ - زمان گذشته التزامی
- ۹۷ ۸-۴ - اسم مفعول
- ۹۸ ۹-۴ - ساختمان فعل امر

فصل پنجم - نمو

- ۱۰۰ ۱-۵ - جمله
- ۱۰۰ ۲-۵ - انواع جمله از نظر ساختمان
- ۱۰۰ ۱-۲-۵ - جمله ساده
- ۱۰۱ ۲-۲-۵ - جمله مرکب همپایه
- ۱۰۱ ۳-۲-۵ - جمله مرکب وابسته
- ۱۰۱ ۳-۵ - انواع جمله از نظر نوع فعل
- ۱۰۱ ۱-۳-۵ - جمله با فعل اسنادی
- ۱۰۲ ۲-۳-۵ - جمله با فعل غیراسنادی
- ۱۰۲ ۴-۵ - انواع جمله
- ۱۰۲ ۱-۴-۵ - جمله خبری
- ۱۰۲ ۲-۴-۵ - جمله امری
- ۱۰۳ ۳-۴-۵ - جمله تعجبی
- ۱۰۳ ۴-۴-۵ - جمله پرسشی
- ۱۰۴ ۵-۴-۵ - جمله شرطی

۱۰۴	۵-۵- اجزاء جمله و جایگاه آنها
۱۰۴	۵-۵-۱- فاعل
۱۰۴	۵-۵-۲- مفعول

فصل ششم - واژگان

۱۰۷	۶-۱- فهرست افعال
۱۱۳	۶-۲- فهرست واژگان
۲۰۰	۶-۳- نمونه‌ای از اشعار سوادکوهی
۲۰۶	۶-۴- فهرستی از جملات منتخب
۲۲۸	فهرست منابع

نشانه‌های آوانویسی

الف - همخوانها

خط آوانگار

خط فارسی

p

پ

b

ب

t

ت، ط

d

د

k

ک

g

گ

q

ق، غ

ʔ

ع، ء

f

ف

v

و

s

س، ص، ث

z

ز، ذ، ض، ظ

š

ش

x

خ

h

ح، ه

č

چ

ǰ

ج

m

م

n

ن

l

ل

r

ر

y

ی

ب - واكهها

خط آوانگار

i

a

e

â

u

خط فارسی

ی/ی

اَ

اِ

آ

او

فصل اول

مقدمه

فصل اول

مقدمه

۱-۱- پیشگفتار

بدون شک بررسی و گردآوری گویش‌های محلی از دیدگاه زبانشناسی دارای اهمیت ویژه‌ای است، زیرا نه تنها هریک از آنها را می‌توان نشانگر بخشی از تاریخ و آداب و سنن ایران کهن دانست، بلکه شناخت و بررسی کامل زبانهای ایرانی تنها با بررسی یکایک گویشها ممکن می‌گردد. زبانها عاملی در انتقال فرهنگ و تمدن نیاکان ما به شمار می‌روند و بررسی و مطالعه بر روی هریک از آنها را می‌توان گامی در جهت شناسایی تمدن کهن هر سرزمینی به شمار آورد. بسیاری از این گویش‌های کهن بر اثر عوامل اجتماعی مانند گسترش زبان فارسی، باسواد شدن مردم و ازدیاد وسایل ارتباط جمعی در حال فراموشی هستند. بنابراین پژوهش، گردآوری و ثبت و ضبط هرکدام از آنها از طرفی کمک بزرگی به احیای تاریخ اجتماعی ملت کهن ایران به شمار می‌رود و از طرف دیگر با انجام این بررسی‌ها گامی در راه غنی شدن زبان فارسی و بازسازی زبانهای کهن برداشته می‌شود. با توجه به نکات فوق و با نگاهی به منابع و مآخذ موجود در کتابخانه‌ها می‌توان به نتیجه کوششهای دانشمندان و به ویژه زبانشناسان در این زمینه پی برد. ولی متأسفانه می‌بایست اذعان داشت بر روی زبانهای ایرانی که یکی از بزرگترین گروههای زبانی است تحقیق و

بررسی کافی نشده است. با درک این موضوع که حق این زبان بر ما بیشتر از خارجیان است که مطالعاتی بر روی آن انجام داده‌اند، سعی شده است تا گوشه کوچکی از یکی از گویشهای ایرانی یعنی گویش «سوادکوهی» در این رساله مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد، تا شاید گامی در جهت شناسایی این گویش‌ها و تشویق دیگران به تحقیق و مطالعه جامع‌تر در این زمینه برداشته شده باشد. از دیدگاه زبانشناسی نیز بررسی گویش سوادکوهی می‌تواند گامی در جهت تکمیل اطلاعات زبانی ما به شمار رفته و از طرفی دیگر توصیفی علمی از این گویش در اختیار ما قرار دهد. به علاوه جمع‌آوری این اطلاعات و نتایج آن می‌تواند در تهیه اطلس زبانی ایران و منطقه بسیار مفید واقع گردد.

بررسی این گویش بر مبنای «نظریه ساختگرایی» انجام گرفته است. همانطور که می‌دانیم این نظریه بر اساس عقاید و نظریات «فردیناندو سوسور» زبانشناس مشهور سوئیسی شکل گرفته است. از جمله مفاهیم عمده نظریات سوسور که در کتاب «دوره زبانشناسی عمومی» آمده است می‌توان به تمایز میان زبانشناسی همزمانی و زبانشناسی درزمانی، تمایز میان زبان و گفتار، تمایز میان صورت و جوهر، محور هم‌نشینی و محور جانشینی و دال و مدلول اشاره نمود. البته در این زمینه و همچنین در مورد روشهای ساختگرایانه در تحلیل داده‌ها مطالبی به تفصیل در فصل دوم ذکر شده است.

۱-۲- موقعیت زبانی

«گیلکی» از جمله زبانهای ایرانی است که در شمال ایران و به خصوص در سواحل دریای خزر گفتگو می‌شود. این زبان به دو شاخه ۱- گیلکی مازندرانی و ۲- گیلکی گیلانی تقسیم می‌شود که گیلکی مازندرانی را زبان طبری نیز نامیده‌اند.

زبان طبری یا مازندرانی، بازماندهٔ زبان ایرانیان قدیم است. این زبان دیرتر و کمتر از سایر زبانها تحت تأثیر زبانهای بیگانه‌ای همچون عربی، مغولی و تاتاری قرار گرفته است. تا قرن پنجم هجری پادشاهان طبرستان به خط پهلوی می‌نوشته و سکه می‌زدند و دو کتیبه که در «رسکیت» واقع در دودانگه ساری و «گنبد لاجیم» واقع در سوادکوه به دست آمده مؤید این مطلب است. موقعیت این زبان را در خانواده زبانهای هند و اروپایی می‌توان در نمودار صفحهٔ بعد نشان داد.

زبان طبری به گونه‌های مختلف در تمامی نواحی استان مازندران متداول است که از جمله آنها می‌توان به گونه‌های آملی، نوری، بابلی، ساروی، بهشهری، قائم‌شهری و سوادکوهی اشاره نمود. گویشی که در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد، گونه‌ای از زبان طبری است که در منطقه سوادکوه مازندران مورد استفاده قرار می‌گیرد. از آنجایی که دقت و صحت کامل این رساله مورد نظر است، این گویش فقط بر اساس داده‌های روستای «کلیج خیل» مورد بررسی و تحقیق قرار می‌گیرد. روستای کلیج خیل از بزرگترین روستاهای منطقه سوادکوه بوده و از توابع شهر شیرگاه به شمار می‌رود.

موادی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است در شش فصل تنظیم شده است. در فصل اول موقعیت تاریخی و جغرافیایی سوادکوه و همچنین موقعیت زبانی این گویش تهیه و تنظیم شده است. فصل دوم به ویژگیهای نظام آوایی این گویش، توصیف واجها و فرآیندهای آوایی می‌پردازد. فصل سوم به توصیف ساختمان واژه، در این گویش اختصاص داشته و اسم، صفت، ضمیر، و مباحث مربوط به آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. توصیف دستگاه فعل موضوع فصل چهارم بوده که در آن به شناسه‌های فعلی، سناکهای فعلی، افعال کمکی و ساختمان گروههای فعلی پرداخته شده است. در فصل

پنجم، نحو این گویش مورد بررسی قرار گرفته است و سرانجام در فصل ششم واژگان این گویش گردآوری شده است. در پایان این فصل نیز نمونه‌ای از اشعار سوادکوهی همراه با آوانگاری و معنی آن آورده شده است.

در پایان وظیفه خود می‌دانم تا از راهنماییها و کمکهای ارزنده استاد گرانقدر جناب آقای دکتر عاصی که مرا در انجام این تحقیق یاری نموده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری کنم. همچنین از رهنمودهای سرکار خانم دکتر کلباسی که به عنوان استاد مشاور اینجانب را راهنمایی نمودند تشکر و قدردانی می‌کنم.

۱-۳- جستاری در موقعیت جغرافیایی و تاریخی سوادکوه

۱-۳-۱- اوضاع طبیعی شهرستان سوادکوه

۱-۳-۱-۱- موقعیت و وسعت

شهرستان سوادکوه یکی از شهرستانهای استان مازندران است که با ۲۴۴۱ کیلومتر مربع وسعت در قسمت جنوبی استان مازندران واقع شده است. این شهرستان در دامنه شمالی کوههای البرز مرکزی واقع شده است که از شمال به شهرستان قائم‌شهر، از جنوب به فیروزکوه، از غرب به شهرستان بابل و از شرق به شهرستان ساری محدود می‌شود. این شهرستان از چهار شهر زیراب، پل سفید، شیرگاه و آلاشت به همراه روستاهای اطراف آنها تشکیل شده و مرکز آن نیز شهر پل سفید می‌باشد. فاصله آن با قائم‌شهر ۵۵ کیلومتر و با فیروزکوه ۶۵ کیلومتر می‌باشد. این شهرستان کلاً در منطقه کوهستانی و پایکوههای البرز مرکزی واقع شده است. این شهرستان بر اساس آخرین تقسیمات کشوری شامل دو بخش مرکزی و شیرگاه، پنج دهستان و چهار شهر می‌باشد و تا سال ۱۳۵۹ این منطقه یکی از

بخش های شهرستان قائم شهر به شمار می رفت ولی پس از آن به صورت شهرستان مستقل درآمد.

۱-۳-۱- وضعیت جغرافیایی

از نظر وضعیت جغرافیایی و وضعیت ناهمواریها، از جنوب به طرف شمال از ارتفاع زمین کاسته می گردد. زیرا همانطور که قبلاً بیان شد، این شهرستان در دامنه شمالی رشته کوه های البرز مرکزی واقع شده است و هرچه از دامنه های فوق به طرف شمال فاصله بگیریم، از ارتفاعات کاسته می گردد تا اینکه در حوالی قائم شهر به دشتهای می رسیم. پس در روند عمومی از شمال به جنوب به ارتفاع زمین افزوده می گردد، چنانکه در شمال شیرگاه و مرزین قائم شهر و سوادکوه ارتفاع زمین ۲۸۵ متر است. در حالی که در جنوب و در سلسله ارتفاعات شلفین (شروین) ارتفاع زمین ۳۶۲۵ متر است. بنابراین اختلافات ارتفاعی در سطح شهرستان بسیار زیاد است. سوادکوه انواع مختلف ناهمواری را نیز در خود جای داده است:

۱- منطقه جلگه و دشت که پوشیده از جنگل و مرتع بوده و اکثر زمینها زیر کشت برنج و مرکبات می باشد.

۲- منطقه کوهستانی که از ارتفاعات بلند آن تشکیل شده است.

۱-۳-۲- جغرافیای تاریخی شهرستان سوادکوه

محدوده ای که ما اینک تحت عنوان سوادکوه می شناسیم و وضعیت جغرافیایی آن را در قبل بیان کردیم، در گذشته های دور و نزدیک تحت تأثیر عوامل سیاسی حکومتی و

قومی دستخوش تغییر و تحولاتی گردیده بود و چنانچه از نوشته‌های مورخین برمی آید دارای اسامی و محدوده‌های متفاوتی بوده است.

به عبارتی مرزهای آن گاهی شامل سرزمینهای وسیعی می‌شده و گاهی نیز از محدوده فعلی هم کوچکتر بوده است. به عبارتی دیگر سوادکوه دارای محدوده مشخصی که در طول زمان ثابت بوده و نام ثابتی نیز داشته باشد نبوده است. به عنوان مثال در طول سالهای ۶۰۷-۵۷۰ میلادی و در دوران حکومت انوشیروان و خسرو پرویز ساسانی «اسپهبد کارن بن سوخرا» کوهپایه‌های جنوب طبرستان شامل (سوادکوه، هزارجریب، شهریارکوه) را در دست داشته و این منطقه در دوران اسلامی (غارنکوه) نامیده می‌شده و پایتخت آن نیز «لپور» شهر باستانی سوادکوه بوده است. پس سوادکوه در این زمان دارای محدوده وسیعی بوده است ولی در حدود سالهای ۷-۱۲۷۶ ه‍.ق که آقای ابراهیم نامی از مازندران دیدن می‌کند، شهرستان سوادکوه را شامل لفور و سوادکوه (زیراب، پل سفید، آلاشت) دانسته و آن را جزیی از بلوک بار فروش (بابل کنونی) می‌داند و شیرگاه را جزیی از ساری معرفی می‌کند.^(۱) و^(۲)

پس در این سالها محدوده سوادکوه کوچکتر از محدوده کنونی بوده است. در ارتباط با وجه تسمیه سوادکوه نیز مورخین اظهارات مختلفی دارند، چنانچه اعتمادالسلطنه محمدحسن خان معتقد است که: "لفظ «فراشوادگر» قدیمی‌ترین اسمی است که از لغت اصلی این منطقه باقی مانده و آن هم جز در مسکوکات آنجا و بعضی از تواریخ عتیقه آنها در جایی دیده و شنیده نمی‌شود و بالفعل از مسکوکاتی که به لفظ (فراشوات یا فراشواد)

۱. گلزاری، مسعود، سفرنامه استرآباد، مازندران و گیلان، بنیاد فرهنگ ایران، صفحه ۱۰۴ و ۲-۱۲۲.

۲. ملگونف، گریگوری، سفرنامه ملگونف به سواحل جنوبی دریای خزر، ص ۱۱۹-۱۲۱ و ۱۰۵.

مشمول است و به خط و قلم پهلوی و زبان بومزادی اهالی ضرب شده معدودی نزد نگارنده حاضر است.^(۱)

سواد و سوات نام مجموعه ارتفاعاتی در جنوب غربی سوادکوه است. (کوههای سوات در جنوب روستای چرات از توابع دهستان ولویی سوادکوه قرار دارند.) بنابراین نام این شهرستان قبل از اسلام (فراشوادگر) و (پاتشوارش) و مشتقات آن بوده و در دوران اسلامی به غارنکوه تغییر یافته و در حال حاضر نیز تحت عنوان سوادکوه شناخته می‌شود. همانگونه که قبلاً ذکر گردید، حدود سوادکوه نیز تحت تاثیر عوامل مختلف و متفاوتی بوده و محدوده و وسعت آن گاهی افزایش و گاهی نیز کاهش می‌یافته است و این بستگی به قدرت حاکمان محل داشته که با توجه به افزایش قدرت حاکمان محل محدوده آن از کوهستان فراتر رفته و تا سواحل دریای خزر را در بر می‌گرفت و در زمان ضعف قدرت حاکمان محل، به سمت کوهستان عقب‌نشینی کرده و آبادیها و شهرهای ساحلی همچون ساری و بابل از زیر سلطه حاکمان سوادکوه خارج و حدود آن به کوهستان محدود می‌گشت.

پیرامون گذشته‌های دور این سرزمین، قدیمی‌ترین موضوعات و نوشته‌ها مربوط به حکومت خاندان «سوخرای غارن» یا اسپهبد کارن در سوادکوه است که در سال ۵۷۰ میلادی (۵۰ سال پیش از هجرت پیامبر اسلام (ص)) در سوادکوه تشکیل حکومت محلی داده و شهر باستانی لفور سوادکوه امروزی را نیز پایتخت خود قرار دادند. این خاندان تا سال ۸۴۵ میلادی برابر با ۲۲۵ هجری در سوادکوه حکومت کرده و ۷ تن از این خاندان به

۱. اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی، التدوین فی احوال جبال شروین، سال ۱۳۱۲، ص ۵.

مدت ۲۷۵ سال بر سوادکوه حکمرانی کردند^(۱). البته باید متذکر شد که قبل از این تاریخ نیز سوادکوه دارای حکومت‌های محلی بوده، چرا که در سال ۵۷۰ میلادی وقتی «اسپهبد کارن» به حکومت می‌رسد، لپور یا لفور یک شهر باستانی بوده که مسلماً توسط حکمرانان قبل احداث شده که متأسفانه نوشته مستندی از گذشته آن در دست نیست.

بعد از هجرت پیامبر (ص) و فراگیر شدن اسلام و انقراض سلسله ساسانیان در ایران کم‌کم دین اسلام در سراسر کشور از سوی مردم پذیرفته می‌شود. در این میان مردم کوهپایه و کوهستانهای طبرستان (سوادکوه و هزار جریب) دیرتر از همه به اسلام روی آوردند و حتی زمانی که سایر مردم طبرستان به آیین اسلام روی آوردند، این مردمان هنوز در آیین زرتشت باقی مانده بودند و حکومت محل خود را حفظ و فقط به نائین خلیفه خراج و مالیات می‌پرداختند و بنا به روایت تاریخ‌نویسان، مردمان کوهپایه و کوهستانهای طبرستان حتی تا قرن چهارم هجری نیز به آیین زرتشت و نیاکان خود باقی مانده و فقط به نائین خلیفه خراج و مالیات می‌پرداختند.

البته ذکر یک نکته لازم است و آن اینکه اگر مردم کوهستان و کوهپایه‌های طبرستان به دین اسلام نگرویدند، دلایلی همچون عدم رعایت قوانین و مقررات دین اسلام توسط بعضی از نائین خلیفه و سران لشکر اعراب در این سرزمینها مسبب آن بود که باعث رویگردانی مردم از دین اسلام شده بود. به عنوان مثال شورش مردم طبرستان به رهبری «وندا هرمز» فرمانروای سوادکوه بر علیه مسلمانان، به دلایلی همچون تعصبات مذهبی و نژادی، برقراری بدعتها و رسومات نوین، سختگیری‌های ناروا، عوارض سنگین و مالیات گزاف، رفتار زشت و خشن و دست درازی به زنان بومی از سوی نائین خلیفه و لشکریان

۱. بزرگر، اردشیر، تاریخ تبرستان پیش از اسلام، تهران، ۱۳۳۴، ص ۲-۴۱.

اعراب در این دیار صورت گرفته است که توده مردم را از اسلام رنجانیده و باعث قیام آنان شده بود. (۱) و (۲)

پس از قتل مازیار به فرمان خلیفه (معتصم بالله) در سال ۲۲۵ هجری، دوران فرمانروایی خاندان «غارنوی» در سوادکوه به پایان رسید و حکومت سوادکوه به دست پسر عبدالله طاهر قرار گرفت و بدین ترتیب حکومت حکمرانان محلی در سوادکوه منقرض و حاکمان مسلمان جانشین حکام محلی گردیدند. اما مردم کوهستان و سوادکوه همچنان به آیین زرتشت باقی بودند تا اینکه به تدریج در طی قرن چهارم هجری اکثریت مردم دین اسلام را پذیرفتند.

۱-۳-۳ - مشخصات انسانی - سیاسی شهرستان سوادکوه

۱-۳-۳-۱ - جمعیت و مسایل جمعیتی

در ارتباط با تغییرات جمعیتی سوادکوه متأسفانه اطلاعات و آمار و ارقام دقیقی تا قبل از ۱۳۶۵ وجود ندارد. زیرا این شهرستان تا سال ۱۳۵۹ به عنوان بخشی از شهرستان قائم شهر بوده و آمارهای جمعیتی مستقلی نداشته است و مسایل جمعیتی آن همراه با سایر نقاط روستایی قائم شهر بیان می شده است. در سال ۱۳۶۵ جمعیت و مسایل جمعیتی سوادکوه به صورت مستقل بررسی شده و در یک جلد از نشریات مرکز آمار ایران تدوین گردید. در سال ۱۳۶۵ سوادکوه ۷۳۱۲۷ نفر جمعیت داشته که از این تعداد ۳۶۳۶۹ نفر مرد و ۳۶۷۵۸ نفر زن بوده اند. از کل جمعیت سوادکوه ۳/۳۳٪ در نقاط شهری و ۷/۶۶٪ در

۱. بزرگو، اردشیر، تاریخ تبرستان پس از اسلام، تهران، ۱۳۳۴، ص ۹۶.
۲. مرعشی، ظهیرالدین، تاریخ تبرستان و مازندران و رویان، تهران، ۱۳۶۳، ص ۱۲۰-۱۰۸.